

نامه تسلیت به

کمیته مرکزی حزب زحمتکشان ویتنام

بخش ملی همه ملل جهان ضایعه دردناکی است.
 سراسر جبات پر افتخار رفیق هوشی مین در بیکار خستگی ناپذیر علیه امپریالیسم جهانی و در راه آزادی و استقلال و احیای وحدت ویتنام، در راه پیروزی مارکسیسم-لنینیسم و سوسیالیسم گذشت. خلق دلاور ویتنام طی سی سال بیکار جانبازانانه تحت رهبری پیشوای دنیاله در صفحه ه

رفقای عزیز! کمیته مرکزی حزب توده ایران ضایعه بزرگ مرگ رفیق هوشی مین پیشوای خلق قهرمان ویتنام را از جانب خود و تمام اعضای حزب ما بشما و توسط شما بتمام رزمندگان ویتنامی و تمام خلق دلاور ویتنام تسلیت میگوید و در این اندوه عمیق خود را شریک میدانند.
 رفیق هوشی مین یک مین پرست پرشور، مجاهد بیگمراه آزادی و انترناسیونالیست معتقد بود. رفیق هوشی مین یکی از نامی ترین و مبرز ترین رهبران جنبش جهانی کمونیستی و جنبش های آزادیبخش ملی بود.
 مرگ رفیق هوشی مین نه تنها برای مردم ویتنام بلکه برای تمام جامعه ترقیخواه بشری، برای تمام جنبش جهانی کمونیستی و جنبش آزادی

مردم ارگان مرکزی حزب توده ایران

وصیت نامه هوشی مین

در سایه همبستگی شدید که حزب در دامان خود بدان تحقق بخشید، در پرتو این واقعیت که حزب کاملاً وقف طبقه کارگر، خلق و مین است، توانست از آغاز تشکیل خود مردم ما را متحد کند، آنها را سازمان دهد، رهبری نماید و در جریان یک نبرد پر شور از یک پیروزی به پیروزی دیگر راهبر شود. وحدت، سنت بسیار گرانبهای حزب ما و مردم ماست. باشد که تمام رفقا از اعضا کمیته مرکزی تا رفقای یابن ترین واحدها، یکپارچگی و وحدت حزب را چون مردمک چشم حفظ کنند.

وصیت نامه رئیس جمهور «هوشی مین» که بتاريخ روز ۱۰ ماه مه سال ۱۹۶۹ نوشته شده، روز سه شنبه ۹ سپتامبر در میتینگ بزرگی که در میدان «با - دین» (هانوی) برگزار شد، وسیله دبیر اول کمیته مرکزی حزب زحمتکشان ویتنام «لودوان» شرح زیر قرائت گردید:

جمهوری دموکراتیک ویتنام - استقلال - آزادی - خوشبختی - در مبارزه مین پرستانه علیه تجاوز امریکا ما باید مسلماً مشکلات بزرگتری را تحمل کنیم، قربانیان تازه ای بدهیم، اما حصول پیروزی کامل حتمی است.

من مایلم هنگامیکه پیروزی فرارسد، برای تبریک به هموطنانم بشمال و جنوب کشور سفر کنم، افسران، سربازان قهرمان، پیران، جوانان و کودکان دوستداشتمان را ملاقات کنم.

سیس بنام خلقمان از کشورهای برادر سوسیالیستی و کشورهای دوست در سراسر جهان بخاطر آنکه صمیمانه ما را در مبارزه مین پرستانه علیه تجاوز امریکا حمایت نموده اند تشکر کنم.

«توفو» شاعر مشهور چین در دوران «تان» گفته است: «در تمام ادوار کسانی که به سن هفتاد سالگی برسند نادر بوده اند.» من که اکنون به سن ۷۹ سالگی رسیده ام در شمار این کسان نادر قرار دارم و اگر سلامتیم نسبت بسالهای قبل بضعف گراشده افکارم همچنان روشن است. وقتی انسان بیش از ۷۰ بهار دیده باشد، طبیعی است که سلامتیش نقصان مییابد و این مایه تعجب نیست.

اما چه کسی میتواند پیش بینی کند که من تا کی بانقلاب، بوطنم، به خلق می - توانم خدمت کنم؟

بدینجهت با در نظر داشتن روزی که منم بدنال کارل مارکس و لنین این مردان شایسته احترام و همه اجداد انقلابیان از دنیا خواهم رفت، این چند سطر را از خود باقی میگذارم و تا هموطنان من، رفقای حزبی و دوستان ما در سراسر جهان غافلگیر نشود.

ابتدا میخواهم از حزب صحبت کنم،

هوشی مین

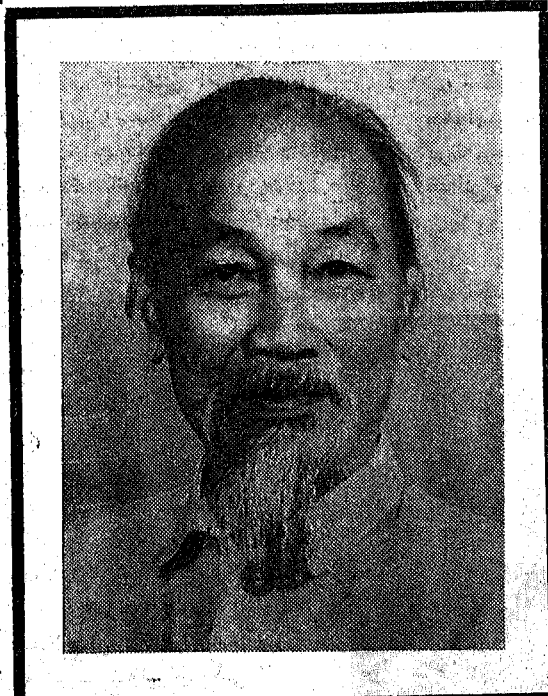
میهن پرست، انقلابی و انترناسیونالیست

روز ۴ سپتامبر خبر فقدان اسفناک رفیق «هوشی مین» صدر کمیته مرکزی حزب زحمتکشان ویتنام، جهانیان را در ماتم عمیق فرو برد. با مرگ «هوشی مین» خلق ویتنام، طبقه کارگر جهان و جنبش آزادیبخش ملی خلقها رهبر خردمند و برجسته ای را از دست داد.

زندگی «هوشی مین» سرگذشت یک بیکار قهرمانانه، طولانی، خستگی ناپذیر و افتخار آمیز بخاطر رهائی خلق ویتنام، تحکیم جنبش کمونیستی و تقویت و اعتلاء جنبش آزادی بخش ملی در سراسر جهان است.

در ۱۹ ماه مه سال ۱۸۹۰ در «کیم لی یین» یکی از روستاهای استان مرکزی ویتنام «نگوین وان تان» (نام دوران کودکی هوشی مین) در یک خانواده دوشنفکر فقیر که منشأ دهقانی داشت چشم بجهان گشود. پدرش توانست در پرتو مجاهدات شخصی خود تحصیلات عالی را تا درجه دکترا ادامه دهد. وی از فعالین مبارزه علیه تسلط یگانگان

اروپایی بود و بهین علت شغل خود را از دست داد. «کیم لی یین» در سن هشت سالگی بعنوان «پیک» در جنبش انقلابی کشورش فعال بود. وی به علت فقرتی که از استیلاگران خارجی داشت در ۲۲ سالگی وطنش را ترک گفت. بین سالهای ۱۹۱۲ - ۱۹۱۸ با شغل کارگر کشتی به بسیاری از کشورهای اروپا، آفریقای شمالی و امریکا مسافرت نمود و سرانجام در فرانسه اقامت گزید. در پاریس وی نام مستعار «نگوین آی کووک» را برای خود انتخاب نمود و به شغل روزنامه



نگاری، عکاسی و نقاشی دکوراسیون پرداخت و روزنامه ضد استعماری «پاریا» را منتشر نمود. نگوین جوان در فرانسه با «شارل لوگوته» یکی از نواده های کارل مارکس ملاقات کرد و بوسیله او با آثار ارزنده پیدر بزرگ وی آشنائی یافت. در این هنگام به عضویت حزب سوسیالیست فرانسه در آمد و در دسامبر سال ۱۹۲۰ در کنگره حزب سوسیالیست فرانسه که در شهر «تور» تشکیل شد شرکت نمود. در همین کنگره، حزب کمونیست فرانسه گذاری پایه شد و «نگوین آی کووک» که در آغاز خود را فقط وقف مبارزه

دنیاله در صفحه ۲

مهرگان توده ها

کارکنان ماهنامه «مردم» جشن باستانی مهرگان را که مصادف با تأسیس حزب توده ایران و بیست و هشتمین سال زندگی سرشار از افتخار و پر از حوادث این حزب است، بهمه خوانندگان عزیز، بهمه هموطنان شایسته آزادی و عدالت، شاد باش میگویند.

بیست و هشت سال است که حزب ما بشابۀ معتبر ترین سازمان سیاسی و انقلابی کشور در طوفانی از جنجال و اتهام و بارانی از گلوله مرگبار براه حق خود ادامه میدهد. جریانهای فراوانی با ادعای بزرگ و سر و صدا های گوشخراش در اطراف این سازمان انقلابی وریشه دار پدید میشوند و هر کدام از آنها «وظیفه مقدس» خود

میشمرند که مقداری از وقت و استعداد خویش را صرف لجن پراکنی باین حزب کنند، ولی تاریخ گواهی داده و میدهد و خواهد داد که آنها بنحوی از انضام خوش و فراموش خواهند شد و تنها حزب ماست که میتواند در خورد اعتماد و مرجع امید و تکیه گاه جنبش و بیکار توده های مردم باشد چنانکه در گذشته بوده، در آینده نیز هیچ دشواری، هیچ پورش خصمانه ای ما را از پوئیدن راه حق خود باز نخواهد داشت.

بقیه در صفحه ۵

پیکار در پس میله ها

در پس میله های زندانهای ایران مبارزه ادامه دارد. توده ای، مصدقی روحانی و دیگر عناصر دموکراتیک و مخالفان رژیم، در شرایط دشوار زندانها، در چنگک دژخیمان ساواک مبارزه میکنند. حمله چندپیش گماندوهای پلیس به اطافهای زندانیان سیاسی در زندان تهران، تبعید دهها تن از زندانیان سیاسی به زندانهای شهرستانها (بدنبال تبعید رفقای ما که از نخستین قربانیان بودند)، اعتصاب غذای داخل زندان، نامه های زندانیان سیاسی بمقامات در پرخاش بتجاوزات مأموران، نامه روحانیون نجف به زندانیان سیاسی ایران، نامه اعتراض آمیز فیلسوف انگلیسی «برتراند راسل» در مورد وضع زندانیان سیاسی به دولت ایران و غیره و غیره، گوشه هایی از این نبرد را نشان میدهد. مخالفان رژیم استبدادی شاه روز بروز بیشتر، دمدم راسخ تر و پیکار جوت تر میشوند. از زندانهای ایران گرفته تا شهرهای آمریکا و اروپا، هر جا که ایرانیان میهن پرست گرد آمده اند، خاموش ننشسته اند. اگر اراده به وحدت عمل باندازه اراده به پیکار استوار باشد، رژیم با سپاه پر قدرتی روبرو خواهد بود. این وحدت عمل در زندانهای ایران بیشتر دیده میشود.

در پس میله های زندانهای شاه، نه فقط دلاوری مبارزه، بلکه وحدت عمل زندانیان سیاسی نیز درس و نمونه عبرت انگیزی برای کلیه مخالفان رژیم است.

درد آتشین به مبارزان زندانی که در زندانهای سراسر کشور در بندند. دوستان! ما با شما هستیم، ما شما را فراموش نمیکیم.

انعکاس جنایات رژیم در کردستان

سال ۱۳۴۷

کمیته مجلی سلیمانیه حزب کمونیست عراق در شماره چهارم نوامبر ۶۸ خود تحت عنوان «ستم ملی کرد های ایران» نوشت:

در همه جا صحبت از جنایات سازمان امنیت ایران در کردستان است. دستگیری شکنجه و آزار، اعدام، آتش زدن خانه های دهقانان در کردستان ایران جزء کارهای روزانه رژیم است. چرا؟ برای اینکه کرد ها برای حقوق ابتدائی خویش مبارزه میکنند.

مجله صلح و سوسیالیسم در شماره اول ۶۹ خود نوشت: «موج تازه اعدام و ترور و دستگیری دمکراتهای ایران شروع شده. تنها در چند ماه اخیر ده ها نفر از کردهای دمکرات در ایران اعدام شده اند. منابع رسمی حکومت ایران اخبار دستگیری و اعدام آنها را پخش نمیکنند. در حقیقت میهن پرستان کرد را با اتهام این معاکمه و تیر باران میکنند که آنها خواستار دموکراسی برای سراسر ایران اند. از منافع خلق کرد دفاع میکنند و علیه توطئه های امپریالیستی مبارزه مینمایند.»

روزنامه «نیلساباچک» ارگان مرکزی حزب سوسیالیست کارگری مجارستان در شماره ۲۲ نوامبر ۶۸ خود نوشت: «بار دیگر نیرو های چپ در ایران مورد حمله رژیم واقع شده اند. بیش از ۱۲ هزار زندانم و نظامی کردستان را مورد حمله قرار داده و برای سرکوبی نهضت آزادیبخش خلق کرد عملیات وسیعی را شروع کرده اند. حتی مقامات دولتی اعتراف نموده اند که در مدت ۲ ماه ده ها نفر از دمکراتهای کرد رادر شهر های مختلف کردستان اعدام و تیر باران نموده اند. بیشتر از ۲۰۰ نفر از آزادیخواهان را دستگیر ساخته که در انتظار سرنوشت شومی هستند.»

ارگان کمونیستهای مجارستان پس از ذکر جنایات رژیم و تجاوز و تعدی سازمان امنیت، و پس از چاپ پیام کمیته مرکزی حزب توده ایران به سازمانهای دموکراتیک مینویسد: «ما هم همراه با کایه کسانی که علیه دستگیری و اعدام میهن پرستان ایرانی اعتراض میکنند، صدای خود را بلند نموده و میخواستیم که میهن پرستان کرد و آذربایجانی و همه زندانیان سیاسی ایران آزاد شوند.»

هفته نامه «الاکخار» چاپ لبنان در شماره ۸ دسامبر ۶۸ خود اعلامیه حزب دمکرات کردستان را درباره وقایع کردستان و جنایات رژیم در آن سامان چاپ نموده و علیه کشتار دسته جمعی کردها در کردستان ایران اعتراض نموده است.

روزنامه «مورینیک ستار» ارگان مرکزی حزب کمونیست انگلستان در شماره ۶ دسامبر خود تحت عنوان «دمکراتها در

مقاله زیرین را یکی از دوستان کرد ما در باره انعکاس جنایاتی که شاه در کردستان مرتکب شده است (از مطبوعات جهان) تهیه کرده و برای ما فرستاده است.

از مهر ماه سال ۱۳۴۶ تا مهر ماه سال ۱۳۴۷ رژیم ضد ملی و ضد دموکراتیک شاه ۴۷ نفر از اقشار مختلف هم میهنان کرد ما را اعدام و تیر باران نموده است. صد ها میهن پرست کرد را بدون گناه از خانه و کاشانه خود ربوده، در زندانهای کردستان، آذربایجان و غیره زندانی نموده و مورد شکنجه و آزار قرار داده، و از سرنوشتشان خبری در دست نیست.

دستگاه تبلیغات رژیم نه تنها از بیم افکار عمومی درباره این جنایات خبری منتشر نمیسازد، بلکه با تمام قوا از انتشار هر خبری مربوط بوقایع کردستان جلوگیری میکند. حزب دمکرات کردستان در بیانیه خود

با این مناسبت نوشت: «حکومت ایران ضمن تشدید عملیات خود سعی دارد، سر و صدای جنایتاش از چهار چوب منطق عملیات خارج نشود. و اگر هر چند یکبار خبری منتشر میکند مشروط به لوژ موضوع. تحت عناوین افترا آمیز، تیبیه سارقین مسلح و راهزنان سابقه دار است.» با این وجود افکار عمومی جهان از جنایات رژیم شاه در کردستان با رستی مطلع است.

روزنامه طریق الشعب ارگان مرکزی حزب کمونیست عراق در شماره اول نوامبر ۱۹۶۸ خود تحت عنوان «صدای اعتراض کمونیستهای عراق علیه جنایات رژیم ایران بر ضد خلق مبارز کرد» نوشت: رژیم شاه میهن پرستان کرد را دسته جمعی اعدام میکند. حکومت شاه در دهات و شهرها تعقیب و ترور میهن پرستان کرد را شروع نموده و میخواهد آزادیخواهان کرد را که در برابر سیاست رژیم ایستادگی میکنند سرکوب نموده و مرعوبشان سازد. حزب کمونیست عراق علیه جنایات شاه در کردستان و در سراسر ایران شدیداً اعتراض مینماید!

روزنامه «راه کردستان» ارگان کمیته اقلیم کردستان حزب کمونیست عراق در شماره پنجم نوامبر ۶۸ خود تحت عنوان «آیا شاه میتواند با اعدام و تیر باران تخت لرازش را حفظ کند؟» مینویسد:

جنایات رژیم شاه علیه تمام خلقهای ایران بویژه علیه خلق کرد از کسی پنهان نیست. تعقیب و تبعید هزاران ایرانی به جرم مبارزه سیاسی، تشدیدشکه جاسوسی، شکنجه و اعدام، مجرم نمودن خلقهای غیر فارس از حقوق ملی و تحصیل بزبان مادری یکی از خصوصیات رژیم است.

روزنامه کردستان پس از ذکر نام عدهای از شهیدان کرد مینویسد: «آری اینها را شهید کردند. ولی آیا اعدام میهن پرستان کاروان مبارزه خلقها را باز میدارد؟»

روزنامه «پرچم کارگران» نشریه

کمیته مرکزی حزب توده ایران، ضایحه مرگ مادر رفیق ارجند اردشیر آوانسیان عضو هیئت اجرایی کمیته مرکزی حزب توده ایران را صمیمانه، رفیق آوانسیان و خانواده شان تسلیت میگوید و خود را در این اندوه شریک میداند.

کمیته مرکزی حزب توده ایران

میهن پرستان و دمکراتهای کشور است. روزنامه «ال سیگلکو» پس از شرح خفقان و ترور رژیم و فقدان آزادی و دموکراسی در ایران مینویسد: در این اواخر رژیم علیه کردها کشتار را شروع نموده است. کرد ها مورد حمله و ستم یک حکومت نیمه فاشیست قرار گرفته اند. مقامات ایرانی میخواهند کردها را مانند اقلیت ملی این ببرند. جواب کردها در مقابل این بی عدالتی ها مبارزه مداوم برای حفظ موجودیت

بقیه در صفحه ۵



ملا احمد شاه شاهی معروف به «آواره»، در جوانی بصوف نهضت انقلابی بیوست. روز نهم تیر ۱۳۴۷ او را برای مذاکره به قریه دیوالان میخوانند و در آنجا برایش حاکم نهاده بودند. وی روز نهم مرداد ۱۳۴۷ در ۳۳ سالگی اعدام شد.

ایران اعدام میشوند» پس از انتشار پیام کمیته مرکزی حزب توده ایران به احزاب و سازمانهای دمکراتیک نوشت: «نامه سرگشاده حزب توده ایران نشان میدهد، که موج ترور و کشتار میهن پرستان و دمکراتها ایران را فرا گرفته است. بعد از دستگیری صد ها نفر در ماههای اخیر حکومت ضد دموکراتیک ایران علیه خلق کرد خمله را شروع نموده است. تنها در ۲ ماه گذشته ده ها نفر از دمکراتهای کرد را اعدام کرده، و بیشتر از ۲۰۰ نفر کرد آذربایجانی را دستگیر ساخته است.

روزنامه «سوسیالیست لیدر» چاپ گلاسکو در شماره ۳۰ نوامبر ۶۸ تحت عنوان «رژیم وحشت در ایران. باز هم اعدام» پس از توصیف وضع نابسامان ایران و توسعه نفوذ امپریالیستهای آمریکا و انگلیس و سیاست نواستعماری کنسرسیون نفت نوشت: «اسماعیل شریف زاده و رفقایش در منطقه بانه بدست مأمورین رژیم ایران کشته شدند. درباره کشته شدن آنها در مطبوعات تحت سانسور رژیم کلمه ای انتشار نیافته است.»

روزنامه «ال سیگلکو» ارگان مرکزی حزب کمونیست شیلی در شماره ۲۷ نوامبر ۶۸ خود پس از چاپ نامه سرگشاده کمیته مرکزی حزب توده ایران با احزاب و سازمان های دمکراتیک بین المللی نوشت: «درباره وضع ایران ما اطلاع زیاد نداریم. همینقدر منابع بزرگ نفت جهان است که مونسوپولهای امپریالیستهای شمالی بر آن مسلط هستند. این مونسوپولها برای حفظ خودشان حکومتی مرتجع را بر کشور تحمیل نموده اند که وظیفه اش سرکوب

در باره شعار وحدت عمل در مبارزه ضد امپریالیستی

تحلیل سند اصلی کنفرانس جهانی احزاب کارگری و کمونیستی راجع بوضع کشورهای که با وجود برخورداری از استقلال سیاسی عرصه‌ی تاخت و تاز امپریالیستی و اعمال سیاست استثمار نوین امپریالیسم هستند کاملاً با اوضاع و احوالی که در کشور ما وجود دارد تطبیق می‌کند. اکنون بر مبنای رژیم ضد ملی و ضد دموکراتیک تحمیل شده است که کوشش اساسی آن در جهت بسط مناسبات سرمایه داری در شهر و ده با تکیه بر سرمایه‌ها و انحصارات امپریالیستی است.

در سندی که کمیته مرکزی حزب ما تحت عنوان (تحلیل وضع کشور و وظائف مبارزاتی) انتشار داد این وضع به بهترین وجه مورد بررسی قرار گرفته است. نکات اساسی تحلیلی، کمیته مرکزی حزب توده ایران در مورد وضع کنونی کشور و سیاست دولت را میتوان بشرح زیرین و خلاصه نمود:

۱- رژیم ضد ملی ضد دموکراتیک حاکم بر کشور ما بنا به اهتبط طبقه و ارتجاعی خود سیاستی تعقیب می‌کند که عملاً وابستگی اقتصادی کشور ما را با امپریالیسم تشدید می‌نماید.

۲- سرمایه‌های انحصاری امپریالیستی را در کلیه شئون اقتصادی کشور نفوذ می‌دهند.

۳- می‌کوشد تا منافع سرمایه داران داخلی را با منافع انحصارات امپریالیستی در آمیزد.

۴- نه تنها مهمترین منابع طبیعی کشور ما

یعنی منابع زرخیز نفت جنوب تحت استیلا هیئت از انحصارات امپریالیستی، انگلیسی، هلندی و فرانسوی که بصورت کنسرسیوم عمل می‌کنند در آورده است و سهم مهمی از حاصل کار و کوشش طاقت فرسای کارگران ایرانی را با درجه‌ی بهره کشی بی سابقه‌ای بجنب غارتگران امپریالیستی میریزد بلکه سایر منابع زیرزمینی کشور را بصورت خوان بغمائی در آورده که کلیه انحصارهای مهم امپریالیستی جهان را از آن بهره و نصیبی است.

۵- با مبادلات و معاملات نابرابر بازرگانی همه ساله مبالغ گزافی از در آمد ملی کشور ما صرف جبران موازنه‌ی منفی بازرگانی بسود کشورهای امپریالیستی می‌گردد.

۶- با وجود تقریباً یک میلیارد دلار در آمد سالانه از نفت، هر سال مبالغی هم از کشورهای امپریالیستی با شرایط دشوار وام می‌گیرد که بویه خود از این راه نیز سالانه مقادیر زیادی ارز از بابت پرداخت بهره و وامها و اعتبارات از کشور خارج میشود.

۷- با اینکه پیمان تجاوز کارانه و استعماری ستودیدار بحران جدی است، معذالک دولت با عناد و لجاج کورکورانه‌ای در درون این پیمان باقیمانده و حتی بصورت بیگانه مدافع سر سخت بقاء آن تظاهر می‌کند و از سوی دیگر قرارداد دو جانبه نظامی با دولت آمریکا امضاء نموده که مداخله نظامی امپریالیسم

امریکا را در امور داخلی کشور ما امکان پذیر می‌سازد.

۸- پیمان ستو و قرارداد دو جانبه نظامی یکی از اهرمهای اساسی تحکیم مواضع امپریالیسم در ایران و در سراسر خاورمیانه و نزدیک و تکیه گاهی است برای تأمین منافع انحصارهای نفتی در این منطقه.

۹- بنا بر تعهدات ناشی از این قراردادها و طبق نقشه‌ی تجاوز کارانه‌ی امپریالیستها، دولت سالیانه مبالغ هنگفتی از بودجه‌ی کشور را صرف مخارج گمر شکن نظامی، وامهای جنگی و خریدهای مکرر اسلحه و مهمات می‌کند و برای توجیه این مخارج که سهم مهم بودجه‌ی کشور را می‌بلعد شیخ خراسانی از جانب دولتهای عربی را در خلیج فارس و خوزستان برخ مردم میکشد. ارتش بوسیله‌ی عده‌ی کثیری از مستشاران نظامی امریکائی اداره میشود.

۱۰- رژیم کنونی بی‌بهره‌های گوناگون مناسبات خود را با آن کشورهای عربی که سیاستی ضد امپریالیستی اختیار کرده اند تیره ساخته و در حالیکه خود را ظاهراً موافق استرداد اراضی غصب شده‌ی اعراب و اجراء تصمیمات شورای ملل متحد قلمداد می‌کند محرمانه با دولت اسرائیل زد و بند میکند و حتی سرمایه گذاری آن کشور را در ایران تشویق می‌نماید. در حالیکه خود را هوادار خانه‌ی جنگ و پیمان و حل مسالمت آمیز آن معرفی می‌کند برای زمامداران دست نشانده و پیمان جنوبی اعانه و پز شک و دارو می‌فرستد و بدین طریق در عین اینکه مرتباً دم از صلح خواهی و همزیستی مسالمت آمیز مینزد عملاً در کلبه‌ی زمینه‌ها از سیاست تجاوز کارانه‌ی امپریالیستی حمایت و پشتیبانی میکند.

۱۱- این سیاست ضد ملی و ضد دموکراتیک رژیم، بوسیله‌ی تمرکز کلبه‌ی قوای دولتی در دست شخص شاه، سلب آزادیهای دموکراتیک مردم، جلوگیری از ابراز عقاید مخالف رژیم، منع اجتماعات و احزاب دموکراتیک و ملی، سلب نظارت پارلمانی در امور دولتی و تبدیل مجلسین با اداره ثبت «منویات ملوکانه»، سلب استقلال قضائی و تفویض حق رسیدگی به معاکمات سیاسی و مطبوعاتی به حاکم نظامی استثنائی برخلاف نص صریح قانون اساسی، مسلط ساختن رژیم ترور پلیسی سازمان باصطلاح امنیت بر تمام شئون کشوری و لشکری از راه بازداشت غیرقانونی و شکنجه‌ی افراد میهن پرست و آزادیخواه، حبس‌های سنگین بوسیله‌ی حاکم نظامی، تبعید و نقی بلد خودسرانه‌ی مخالفان رژیم، سرکوب و حشایه‌ی کوچکترین مقاومت یا مخالفت از طرف مردم و غیره - اجرا می‌گردد.

این واقعیات نشان میدهد که اکنون کشور ما در مرحله‌ی ملی و دموکراتیک انقلاب اجتماعی قرار دارد، یعنی انقلابی که هدف آن عبارت است از انتقال قدرت حاکمه

از دست طبقات و قشرهای ارتجاعی (سرمایه داران وابسته به امپریالیسم، ملاکان عمده و قشر بورژوازی سرمایه داری) بدست طبقات و قشرهای ملی و دموکراتیک (کارگران، دهقانان، سایر زحمتکشانشهری، خردده بورژوازی و سرمایه داری ملی) و محتوی آن عبارتست از کوتاه ساختن دست انحصارهای امپریالیستی از منابع طبیعی و اقتصادی کشور و دادن بوابستگی اقتصادی و سیاسی ایران و ریشه کن کردن بقایای فئودالیسم. بنا بر این کشور ما نیز یکی از میدانهای نبرد جنبش ضد امپریالیستی و رهایی ملی است.

کمیته مرکزی حزب توده ایران با توجه باینکه در اوضاع و احوال کنونی جنبش انقلابی کشور با وجود کوششها و جانفشانیهای بیشمار هنوز نتوانسته است بدون فروکشی که متعاقب کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ بوجود آمده خاتمه دهد و با تشخیص این واقعیت که: «یکی از عمده ترین علل یا برجامانند رژیم حکومت مطلقه پراکنده‌ی و عدم هماهنگی بین نیروهای میهن پرست و آزادیخواه ایرانست» به نتایج مهم ذیل میرسد:

۱- وظیفه‌ی اساسی در این مرحله عبارتست از کوشش در برطرف ساختن موانع اعتلاء جنبش و مبارزه در جهت فراهم نمودن وسائل تسریع این اعتلاء و زمینه‌ی جنبش برای پیشرفت آن.

۲- ایجاد اتحاد واقعی بین کلبه‌ی نیروهای استقلال طلب و آزادیخواه جامعه‌ی ایران، صرف نظر از عقاید مختلفه، گرایشها و ارزیابی های گوناگون سیاسی و اجتماعی، بر مبنای برنامه مشترک و واحد، مهمترین راه تسریع در اعتلاء جنبشهای رهایی بخش و آماده ساختن زمینه پیشرفت آنست.

۳- فقدان آزادیهای دموکراتیک مانع عمده در راه اعتلاء نهضت است. بنابراین مبارزه برای برداشتن این موانع از سر راه جنبش و استقرار آزادیهای دموکراتیک مصرح در قانون اساسی ایران و اعلامیه جهانی حقوق بشر باید جهت اساسی مبارزه را در شرایط کنونی تشکیل دهد.

۴- مبارزه در پیرامون این شعار مبرمترین وظیفه کنونی و حلقه‌ی مرکزی در مجموعه‌ی مبارزات منظور نیل به هدفهای سیاسی دیگر است زیرا اولاً عدم رعایت اصول مصرح در قانون اساسی ایران و اعلامیه جهانی حقوق بشر مهمترین نقطه‌ی ضعف حکومت مطلقه است و همین سبب رژیم کنونی چه از لحاظ افکار عمومی مردم ایران و چه از نظر جلب حیثیت و اعتبار در خارج، مجبور است دائماً چنین جلوه دهد که گویا حکومت ایران طبق اصول مشروطیت و قانون اساسی اداره میشود و ثانیاً شعار مبارزه در راه تأمین آزادی های دموکراتیک شعاری است که جنبه‌ی عام دارد و برای همه‌ی قشرها و طبقات جامعه‌ی ایران محسوس و قابل درک است و بنابراین شعارست که میتواند توده‌های وسیع مردم را بسیج کند و مبارزه علیه رژیم کنونی برای

بدست آوردن حقوق قانونی خود جلب نماید. - در شرایط مشخص کنونی کشور ما علیرغم تسلط رژیم ترور و اختناق، امکانات بسیاری برای فعالیت در میان طبقات و قشرهای مختلفه مردم وجود دارد. نخستین گام مثبت و صحیح برای پیشرفت در راه مشکل کردن و متعدد ساختن توده‌های مردم ایران عبارت از شرکت مؤثر در مبارزات روزانه‌ی طبقات و قشرهای مردم و کوشش در سازمان دادن آن مبارزات و تحقیق بخشیدن بان مطالبات است.

۶- وحدت عمل پایه منطقی و نیرومندترین وسیله برای مشکل نمودن و بوقفیت رساندن هر یک از اقدامات و ایجاد زمینه برای تحکیم مبارزاتی متعدد در درجه‌ی بالاتر است. تنها شرط موفقیت در این راه عبارتست از فعالیت آگاهانه توأم با بردباری و نرمش و یافتن طرق و شیوه‌های وحدت عمل منطبق با شرایط مشخص سیاسی و اجتماعی و محیط ویژه مبارزه‌ی مشخص است.

۷- اتحاد عمل همه نیروها، سازمانها و احزاب ملی و دموکراتیک در پیرامون مسائل روزانه از قبیل اقدامات مشترک برای دفاع از این یا آن زندانی سیاسی مبارزه متحد در راه همه زندانیان سیاسی، مبارزه مشترک برای افشاء جنایات و اعمال خلاف قانون سازمان امنیت و محاکم نظامی، مبارزه متحد برای ارجاع معاکمات سیاسی به حاکم دادگستری، مبارزه مشترک برای تصویب قانون عفو عمومی زندان - بیان و پناهاندگان سیاسی، مبارزه مشترک برای آزادی اجتماعات و احزاب و تصویب قانون اجتماعات و غیره بهترین وسیله برای ایجاد زمینه منظور اتحاد میان سازمانها و احزاب مذکور بر مبنای برنامه‌ی عمل مشترک است.

۸- بدیهی است تشخیص شعار مبرم مبارزه در راه استقرار آزادیهای دموکراتیک بمعنای انصراف از مبارزه در راه شعارهای دیگر و از جمله بمنزله‌ی انصراف از مبارزه در راه صلح جهانی و منطقه‌ای و مبارزه برای خروج ایران از پیمان ستو و قرار داد دو جانبه‌ی نظامی، الغاء قانون کاپیتولاسیون، اتخاذ سیاست بیطرفانه، اجراء قانون ملی شدن صنایع نفت، الغاء امتیازات نسبت بسرمایه‌های امپریالیستی، مبارزه علیه سیاست بازرگانی نابرابر و درهای باز و غیره نیست ولی تشخیص شعار عمده مستلزم آنست که قسمت اساسی کوششها و مبارزات سیاسی در جهت آن سپر کند زیرا شعار مزبور آنچنان حلقه‌ی مرکزی است که قادر است مبارزه در راه تحقق شعارها و خواسته‌های دیگر را تسهیل نماید.

خلاصه‌ای که از سند مصوب کمیته مرکزی حزب توده ایران ذکر گردید نه تنها انطباق کامل نظریات حزب ما را با تحلیلها،

۵ باره شعار وحدت عمل

در مبارزه ضد امپریالیستی

دنباله از صفحه ۳

ارزیابها و نتیجه گیریهای کنفرانس احزاب کمونیستی و کارگری در مورد وظائف عمومی ضد امپریالیستی نشان میدهد بلکه حاکی از آنست که خط مشی سیاسی حزب ما با پایه‌های اصلی استراتژی انقلابی جنبش رهائی بخش ملی که بوسیله کنفرانس احزاب بیان شده است انطباق کامل دارد یعنی با خط مشی ای منطبق است که برپایه دو اتحاد ضروری یکی در عرصه بین‌المللی با سیستم جهانی سوسیالیستی و طبقه کارگر بین‌المللی و دیگری در درون کشور با کلیه نیروهای ترقیخواه و میهن پرست جامعه قرار گرفته است.

کنفرانس بین‌المللی احزاب کمونیست و کارگری در تحلیل خود باین نتیجه رسیده است که درست ترین راه برای نيل بوجدت نیرو های انقلابی وحدت عمل آنها بر مبنای شعارها و پلانم مشترک است. کمیته مرکزی حزب ما در سند خود که مدتی پیش از تشکیل کنفرانس در باره اوضاع ایران و وظایف میرم تهیه نموده بر مبنای تحلیل خود از شرایط کنونی جنبش انقلابی مردم ایران عیناً بهمین نتیجه رسیده است و وحدت عمل در پیرامون شعارهای مشخص را نیرومند ترین وسیله برای نیل باتحاد واقعی بین کلیه نیروهای انقلابی جامعه‌ی ایران شمرده است.

صرف نظر از خطوط کلی، شعارهای ضد امپریالیستی مشخصی که کنفرانس احزاب بپناه پایه برای وحدت عمل کلیه نیروهای انقلابی جهان معاصر تشخیص داده است نه تنها منطبق با نظریاتی است که حزب تسوده ایران در باره مسائل بین‌المللی و شیوهی مقابله با آن ابراز داشته است بلکه در مرحله کنونی پاسخگوی تمام خواستهای جنبش ضد امپریالیستی جهانی و از آن جمله منطبق با خواستهای استقلال طلبانه و دموکراتیک مردم ایران است.

۹ - جنبش رهائی بخش ملی ایران برای آن مبارزه میکند که دست انحصارهای امپریالیستی از منابع ثروت میهن ما قطع گردد و وابستگی اقتصادی و سیاسی کشور ما به امپریالیسم پایان یابد. وحدت عمل با سایر نیرو های ضد امپریالیستی جهان معاصر برای مبارزه مشترک علیه استعمار و سیاست نو استعماری امپریالیسم، برای پایان دادن بجنگ تجاوز کارانه امریکا علیه خلق ویت نام و از میان بردن نتایج تجاوز اسرائیل نسبت بسرزمن خلقهای عرب، برای خاتمه دادن بمداخلات امپریالیسم در امور داخلی کشورها، برای از بین بردن بلوکهای نظامی تجاوز کارانه که بکشورهای مختلفه از جمله کشور ما تحمیل شده است، برای دفاع فعال از صلح جهانی

و جلوگیری از اشتعال نائزهی جنگ سوم جهانی، برای جانشین ساختن اصل هزیستی مسالمت آمیز در مناسبات دولتهائی که دارای سیستم های اجتماعی مختلف هستند و حل اختلافات بین‌المللی از راه مذاکرات، برای مبارزه علیه روشهای فاشیستی و استبدادی و علیه هر گونه سیاست تبعیض نژادی، برای پشتیبانی جدی و بی‌گبر از جنبش رهائی بخش خلقها و مبارزات آنها علیه امپریالیسم و ارتجاع داخلی، برای استقرار و تأمین آزادیهای دموکراتیک، مبارزات مردم کشور ما را در راه رهائی از یوغ امپریالیسم و سیاست نو استعماری وی در ایران براتب سهلتر میکند.

هدف جنبش رهائی بخش ملی کشور ما پایان دادن به رژیم کنونی حکومت مطلقه و استبدادی و استقرار حکومتی ملی و دموکراتیک است. اتحاد عمل و مبارزه‌ی مشترک کلیه نیروهای ملی و دموکراتیک کشور ما توأم با وحدت عمل ضد امپریالیستی در صحنه بین‌المللی مؤثرترین عوامل برای پیروزی در این نبرد است.

بنا بر آنچه ذکر شد نباید چنین انگاشت که گویا کنفرانس مسکو صرفاً یک امر داخلی کمونیستها و احزاب کمونیست کارگری است و نتایج حاصله از آن دخلی بسایر عناصر ملی و میهن پرست و دموکرات ندارد. در واقع آنچه در کنفرانس مورد بحث و تحلیل و نتیجه گیری قرار گرفته است جز مسائل حادی که در دوران کنونی برای تمام بشریت یا در برابر کلیه نیروهای دموکراسی و مترقی جهان مطرح است چیز دیگری نبوده است. مسائلی از قبیل جنگ یا صلح ارتجاع یا دموکراسی، ترقی یا عقب ماندگی، رفیت یا استقلال، سرمایه داری یا سوسیالیسم مسائلی نیستند که فقط باین یا آن کشور تعلق داشته باشند. اینها عامترین و میرمترین مسائل دوران ماست که در هر کشور بمقتضای شرایط و اوضاع و احوال سیاسی و اجتماعی بصورت مسائل مشخص مطرح میگردد و مجموع آنها محتوی نبرد عظیمی را که اکنون بین نیروی اصلی انقلابی جهان و امپریالیسم جهانی در صحنه بین‌المللی جریان دارد تشکیل میدهند.

بهمین سبب است که باید نتایج حاصله از مباحثات کنفرانس احزاب کمونیست و کارگری را بمثابة موفقیت بزرگ تاریخی سراسر نهضت انقلابی جهان و کام بسیار مهمی در راه پیوند تمام نیروهای اساسی ضد امپریالیستی جهان معاصر تلقی نمود.

نتایج کنفرانس مسکو بویژه برای پیشرفت جنبش خلقها و از جمله برای جنبش انقلابی کشور ما دارای اهمیت خاصی است. مطالعه و عملی ساختن این شعارهای مشترک

بما می نویسید

از اول فروردین ۴۸ تا کنون در کردستان بیش از ۲۰ نفر از هم میهنان کرد را در گروههای ۶ نفری و ۱۲ نفری اعدام نموده‌اند. دستگیری، محاکمه و اعدام مخفیانه صورت میگیرد و رژیم شاه نگهدارنده افکار عمومی از جنایاتی که در کردستان انجام میگیرد با خبر شود. شهید شدگان دهقان، خیاط، بازاری و معلم و دبیر بوده‌اند.

یکی از کارگران سرویس حفاظت و آتش نشانی پالایشگاه نفت تهران، هنگام راندن ماشین در اطراف پالایشگاه، در اثر واژگون شدن ماشین دچار خونریزی مغزی میشود و جان میسپارد. شرکت نفت بکمک سازمان امنیت مشغول پرونده سازی شده‌اند تا حق او را پایمال کنند و بی‌زمانگان او خسارت نپردازند.

۲- هزار نفر کارگران اتوبان مجبورند روزانه ۱۰ ساعت کار کنند و پول بیمه هم در حالیکه بیمه نیستند بپردازند. فشار کار زیاد است و وسائل ایمنی ندارند و از جان کارگر حفاظت نمیشود. چندی قبل حیدر قلی هنگام کار زیر گامبون ماند و جان داد، کارگری هم بنام محمد صادق طاهری که کنار دیوار کار میکرد بدست مهندسی که راننده بولنه زر بوده، بین دیوار و بولنه زر مانده و له میشود.

بعد از با فشاری چند ماهه نمایندگان اعزامی مناطق نفت خیز تهران که از پشتیبانی فعال کارگران برخوردار بودند، حد اقل دستمزد از ۱۳۶ ریال به ۴۵ ریال افزایش یافت. در خواستهای کارگران که با شرکت فعال آنها تنظیم شده بود، مسائل دیگری را نیز در بر داشت، مانند افزایش حد اقل دستمزد تا ۱۸۰ ریال و مرخصی سالیانه از ۲۰ روز به ۲۵ روز و پرداخت عیدی بجای ۳۰ روز ۴۵ روز و همچنین آزادیهای سندیکائی و تقاضاهای دیگر. در جریان مذاکرات مقامات دولتی حاضر نشدند بهمه در خواستها رسیدگی نمایند و فقط مسئله حد اقل دستمزد مطرح شد و به ۱۴۵ ریال افزایش یافت. کارگران مناطق نفت خیز

مبارزه، یافتن طرق و کوشش در راه تحقق بخشیدن بآن وظیفه همه احزاب، همه سازمان ها و همه عناصر ملی و دموکراتیک کشور ما، وظیفه سرتاسر جنبش نجاتبخش خلقهای ایران است.

حزب توده ایران تا آنجا که در قوه دارد برای عملی ساختن این خط مشی چه در مقیاس جهانی و چه در عرصه داخلی از هیچ گونه کوششی دریغ نخواهد ورزید زیرا منافع طبقه کارگر و سایر زحمتکشان ایران منافع تمام خلقهای کشور ما و مصالح سرتاسر جنبش رهائی بخش میهن ما اجراء صحیح این وظایف را میطلبد.

ا. کیوان

هنگام بازگشت نمایندگان از آنها با گرمی استقبال کردند و این پیروزی نسبی را بهم تبریک گفتند. مبارزه کارگران برای گرفتن بقیه مطالبات خود ادامه دارد.

شرکت نفت و کنسرسیوم تصمیم گرفته‌اند کارگران ۵۰ ساله را بر خلاف مواد قانون کار باز نشسته نمایند. در ماده ۶۷ قانون کار که بتصویب مجلسین نیز رسیده است به کار فرما اجازه داده شده، کارگری را که ۵ سال پس از رسیدن به سنین باز نشستگی بکار خود ادامه میدهد، با پرداخت مقرر باز نشستگی بیکار نماید و سن باز نشستگی برای جنوب ۵۰ سال تعیین شده است و حالا شرکت نفت و کنسرسیوم میخواهند خودسرانه کارگران را از ۵۰ سالگی بیکار کنند.

در کارخانه چیت سازی ممتاز بکارگران روزانه ۶۰ ریال مزد میپردازند و آنرا نیز بپهانه های گوناگون کسر میکنند، مثلاً اگر پارچه کمی عیب داشته باشد مزد نمیدهند و برای ماشینهایی که فرسوده شده و محتاج تعمیراند از حقوق کارگران بعنوان جریمه خرابی ماشین پول بر میدارند.

۳- اخراج کارگران و کارمندان در شرکت نفت بطور تدریجی و طبق نقشه ادامه دارد. نخست کارگران را اخراج نمودند، سپس نوبت بکارمندانی رسید که تحصیلات ابتدائی داشته‌اند و حالا دبیاچه ها را نیز بیکار میکنند. سابقه را باز خرید مینمایند. مبلغی پول نقد میدهند که در مدت کوتاه خرج میشود و اخراجها بدلت میقتند. شرکت در نظر دارد تا سال ۱۹۷۳ تعداد کارکنان پالایشگاه را از ۱۳ هزار نفر به ۱۴۰۰ نفر تقلیل دهد.

۴- برای اجرای برنامه نظامی کردن دانشگاه ها، دانشجویان دانشکده پلی تکنیک تهران را باقدسیه برده‌اند تا تعلیمات نظامی ببینند، چندی قبل این دانشجویان برای اعراض به رفتار توهین آمیز فرماندهان نظامی و بدی غذا اعتصاب نمودند. فرماندهان گروهان بدانشجویان حمله ور شدند، عده‌ای را مجروح نمودند و ۲۵ نفر را تحویل سازمان امنیت دادند.

۵- دانشجویان سال هفتم پزشکی که مدت یکسال بعنوان کارورز در بیمارستانهای تابعه دانشکده کار میکنند، با آنکه مسئولیت سنگینی بهمه دارند با بی توجهی اولیاء امور مواجه هستند و حتی بدرخواست آنها برای پرداخت ۳۰۰ تومان موافقت نشده است. دانشجویان تاکنون بمقامات مختلف مراجعه نموده‌اند و دستجمعی به نخست وزیر نیز رفته‌اند، ولی هیچ مرجعی بخواستهای قانونی آنها ترتیب اثر نداده است.

۶- پلیس برازجان برای کسانی که بدیدن اقوام خود که سالهاست در این نقطه بد آب و هوا زندانی هستند، مبروند ایجاد مزاحمت میکنند و در جواب اعتراض آنها میگویند اینجا برازجان است اگر حرفی بزنید همینجا زندانی خواهید شد.

وصیت نامه هوشی مین

در حزب باید دمو کراسی وسیعی اجرا شود، انتقاد و انتقاد از خود منطقی و بطور جدی عملی گردد. این مهمترین وسیله برای تحکیم و تکامل و وحدت در حزب است. این امر مهمی است که تمام رفقا با علاقه واقعی نسبت بهم، متحد باشند.

ما حزبی در قدرت هستیم. هر عضو حزب، هر کادر حزبی باید عمیقاً دارای اخلاق انقلابی باشد و نمونه جدیت، صرفه جویی، درستی، صداقت، فداکاری کامل برای امر مشترکمان و از خود گذشتهگی نمونه وار عرضه کند. حزب باید پاکیزگی کامل خود را حفظ نماید و شایسته‌گی همه جانبه خویش را بمثابة رهبر، بمثابة خدمتگذار وفادار مردم نشان دهد.

اعضاء اتحادیه جوانان زحمتکش و همه جوانان ما در مجموع خود دارای خصائل عالی هستند شائق برای انجام وظائف پیش آهنگ اند، از مشکلات بندرت میهراسند، کوشا برای پیشرفتند، حزب ما باید بکوشد تا آنان با روحیات عالی انقلابی مجهز گردند و آنها را بمثابة ادامه دهندگان کار ساختمان سوسیالیسم یعنی در عین حال هم انقلابی و هم متخصص بار آورد. آموزش و پرورش نسل انقلابی آینده وظیفه مطلقاً ضروری و پر اهمیتی است. مردم زحمتکش ما در دشت و کوهستان طی قرن‌ها هزارها محرومیت و دشواری را تحمل نموده اند. یوغ استثمار و فشار فئودالها و استثمارگران را بر گردن داشته اند و علاوه بر این از سالهای طولانی جنگ رنج دیده اند. خلق ما در کار و زحمت نیز قهرمانی عظیم، شهامت فراوان، شور بسیار و جدیت زیاد از هر نشان داده، نسبت بجزب از آغاز تشکب، آن پیوسته وفادار بوده و از آن تبعیت نموده است.

حزب باید برای تکامل فرهنگ و اقتصاد برنامه های مناسبی طرح ریزی کند تا سطح زندگی مردم بطور مداوم اعتلاء یابد. جنگ مقاومت علیه تجاوز امریکا ممکن است دوران طولانی ادامه یابد، ممکن است لازم شود که خلق ما قربانی های تازه مالی و جانی را تحمل کنند. هرچه باشد ما باید مصمم باشیم علیه متجاوزان امریکائی تا پیروزی نهائی بیکار کنیم. رودخانه های ما کوهستانهای ما و خلق ما همیشه باقی خواهند ماند. پس از شکست «یانکی ها» کشور خود را ده برابر زیاتر از پیش بنا خواهیم کرد. خلق ما بی اعتنا بدشواریها و محرومیتها یقیناً پیروز خواهد شد. امپریالیستهای امریکائی ناگزیر باید کشور ما را ترک گویند. هموطنان ما در شمال و جنوب دوباره بدون تردید در زیر یک سقف متحد خواهند شد این افتخار بزرگ نصیب کشور ماست که با نبرد قهرمانانه برود قدرت بزرگ سرمایه داری فرانسه و امریکا فایق آمده و سهم

شایسته‌ای در جنبش های رهائی بخش ملی ایفا کرده است. در باره جنبش جهانی کمونیستی: من تمام زندگیم را وقف خدمت به انقلاب نموده‌ام. هر قدر خود را بعلت اعتلاء جنبش کارگری و کمونیستی جهان مفتخر حس میکنم، از وجود اختلاف عقیده که احزاب برادر را در حال حاضر از هم جدا کرده است رنج میبرم. حزب ما برای احیاء وحدت بین احزاب برادر بر اساس مارکسیسم لنینیسم و انترناسیونالیسم پرولتاری بشیوه ای منطبق بر عقل و احساس سهم مؤثری داشته است.

من یقین دارم که احزاب و کشور های برادر دوباره متحد خواهند شد.

در باره امور شخصی: طی دوران زندگیم صمیمانه بیهم، انقلاب و ملت خود خدمت نموده‌ام. اگر اکنون از دنیا بروم شرمند نیستم و فقط از این متأسفم که دیگر نمیتوانم خدمت کنم. پس از مرگ من باید از برگزاری تشریفات عزاداری خود داری شود تاوقت پول مردم بهتر نرود. در پایان ما بایم علاقه بی حد خود را نسبت بتمام مردم کشورم، حزبم، همه نیروهای مسلح و پشام، برادرزاده‌ها و خواهرزاده‌ها، جوانان کودکان اعلام کنم. علاوه بر این سلام برادرانه به رفقا، دوستان، جوانان و کودکان سراسر جهان دارم.

آخرین آرزوی من اینست که حزب ما و خلق ما با وحدت کامل در مبارزه، ویت نامی صلح دوست، متحد، دموکرات و شکوفان بنا کنند و از این راه سهم شایسته خود را در انقلاب جهان ادا نمایند.

هانوی ۱۰ مه ۱۹۶۹

هوشی مین

دنباله از صفحه ۱

مهرگان توده‌ها

ما اطمینان داریم که هم عمر امپریالیسم، هم عمر رژیم ضد ملی و ضد دموکراتیک ایران و هم دوران عوامفریبان چپ و راست بیابان خواهد رسید و حزب ما در دادگاه زمان پیروز و روسید خواهد بود و جشن مهرگان را همراه همه خلقهای میهن عزیز ما ایران با سر بلندی برگزار خواهد کرد.

تسوخته

برای دریافت نشریات توده بزبان آذربایجانی: روزنامه آذربایجان - ۱۰ ریال مجله آذربایجان - ۴۰ ریال ترجمه دفعه روز به زبان آذربایجانی - ۲۰ ریال به آدرس رادیو بیگ ایران مکاتبه فرمایند

دنباله از صفحه ۶

« ماهنامه مردم »

در جشن سالیانه روزنامه « اومانیته »

بود. ککاسک فاشیسم منقش به تاج سلطنت بر روی میله های زندان قرار داشت و یک زندانی مبارز در تلاش در هم شکستن میله ها بود. این طرح جاذب در قالب یک تابلوی بزرگ نظر تماشا کنندگان ایرانی و خارجی را بخود جلب میکرد. وضع اجتماعی ایران و تضاد فاحش طبقاتی در جامعه کنونی ما در تابلوی دیگری مجسم شده بود. اودکی با لباسهایی زنده و پاره به ویرین های زیبای لباس با حسرت چشم دوخته بود. شعار « ملت ایران برای استقلال و آزادی خود مبارزه میکند » توجه تماشاگران را به مبارزه مردم ایران جلب نمود.

ماهنامه مردم هر ماه با روزنامه آذربایجان و کردستان نمونه هایی از نشریات حزب و مطبوعات مترقی را ارائه میدادند. تصویرس دکترا ارانی و نیز تاریخچه مختصر حزب توده ایران بزبان فرانسه بین بازدید کنندگان بخش میشد و جزوه « زندان و زندانبان سیاسی » بزبان فرانسه بفروش میرفت. مینوعات دستی ایران که نمره رنج کارگران ایرانی است در غرفه « مردم » به معرض نمایش گذارده شده بود که قریب دو سوم آن از طرف تماشاگران خریداری شد.

غرفه « ماهنامه مردم » چه از نظر شعارهای اساسی و چه از نظر نمایش مصنوعات هنرمندان ایرانی مورد توجه فراوان قرار گرفت. « ریونود گوپو » که در رأس هیئتی از اعضاء بوروی سیاسی حزب کمونیست فرانسه از غرفه مردم دیدن نمود به متصدیان غرفه اظهار داشت که: « ما احساس میکنیم که شما در چه شرایط دشواری مبارزه میکنید. »

دنباله از صفحه ۴

بما مینویسند

— سربازان لشکر های اعزامی به مرز های ایران و عراق وضع بسیار بدی دارند، چندین ماه است که خانواده های خود را ندیده اند عده ای در اثر بدی غذا و یا ناسازگاری هوا مریض شده اند بخصوص سربازانی که از مناطق سردسیر شمالی آورده شده اند و چندین نفر هم در اثر حوادث مختلف جان داده اند. با طولانی شدن این مأموریت افسران و سربازان بیشتری متوجه گشته اند که آلت دست تصمیمات تحریک آمیز شاه شده اند. با تمام جنگلهای تبلیغاتی که میشود سربازان و افسرانی که در مرز های جنوب هستند مینیند که کشتنها با پرچم عراق از شط العرب میگرددند حتی میدانند روزیکه کشتی آریا با تجهیزات و اسکوروت از خر مشهر بدنهان خلیج فارس میرفت، به برخی از یادگانها بجای گلوله مسلسل، گلوله برنو تحویل داده بودند که ببرد اسلحه شان

دنباله از صفحه ۱

نامه تسلیت به ...

خود رفیق هوشی مین ضریات در هم شکن بر امپریالیسم جهانی وارد ساخت و با آزاد ساختن بخش شمالی میهن خویش جمهوری دموکراتیک و پشام دژ مقدم شکست ناپذیر سوسیالیسم را در آسیای جنوب شرقی بنیاد نهاد. رزمندگان قهرمان و پشامی در بخش جنوبی میهن خود با الهام از نام و اندیشه های رفیق هوشی مین در بیکار خونین علیه تجاوز امپریالیسم ددمنش امریکا و دست نشاندگان سایه گونی آن به پیروزی های قاطع نائل آمدند و دور نیست روزی که دشمن سراپا مساح را کاملاً بزانو در آورند و آزادی و استقلال این بخش از میهن را نیز تأمین کنند.

سیمای تابناک رفیق هوشی مین اکنون نیز مانند گذشته در سراسر جبهه بیکار آزادیبخش علیه امپریالیسم خونخوار امریکا و نیرو های رژیم بوشالی ساگون در راه صلح، استقلال ملی، دموکراسی، ترقی اجتماعی و سوسیالیسم الهام بخش مجاهدان سلحشور و پشامی خواهد بود.

نام رفیق هوشی مین در تاریخ جنبش جهانی کمونیستی و جنبشهای آزادیبخش ملی سراسر جهان برای همیشه با حروف زرین ثبت خواهد شد.

جاویدباد خاطره تابناک رفیق هوشی مین کمیته مرکزی حزب توده ایران دبیر اول رضا رادمش

دنباله از صفحه ۲

(انگاس...)

و دفاع از زندگی خود است. ارگان مرکزی حزب کمونیست شیلی مینویسد: نیرو های مسلح دولت ایران دست به کشتار کرده اند، شهر های کردستان مورد حمله ژاندارمری و ارتش واقع شده اند. تنها در مدت ۲-۳ ماه ده ها نفر از دمکرات های کرد را اعدام کرده اند. حزب توده ایران از کلیه نیرو های دمکراتیک جهان خواسته که علیه این جنایات اعتراض نمایند. روزنامه نامبرده در خاتمه مینویسد: چنین بنظر میرسد که حقوق انسانی مردم نزد فاشیستهای ایران بی ارزش است کلیه مخالفین رژیم به حبسهای سنگین محکوم یا اعدام میشوند. بنظر میرسد که سیاست دولت ایران هدفش محو کردها است. روزنامه جمهوری ت چاپ تر که پس از اشاره بوضع ایران و دستگیری و تعقیب و اعدام میهن پرستان ایرانی نوشت: « رژیم ایران روز بروز ترور و شکنجه و آزار آزادبخشها را تشدید مینماید. »

ح. شیروان

نمیخورد. بچه های خوزستان در کوچه ها این شعر را میخوانند (عراقیها ایران کار بکارت ندارند - سر بسرت میزاره

هوشی مین

میهن پرست، انقلابی و انترناسیونالیست

برای حقوق و آزادی کشورهای استعمار زده نموده بود پس از آشنائی با اندیشه های لنین درباره مسائل ملی و مستعمراتی، در پیچه تازه ای برویش گشوده شد و تحول قطعی در افکار او پدید آمد. متأسفانه برای «نگوین» جوان میسر نشد که با لنین ملاقات کند، زیرا هنگامیکه وی در سال ۱۹۲۴ برای شرکت در پنجمین کنگره جهانی کمیتنرین به کشور انقلاب اکبر قدم گذارد، چند روزی بود که لنین دیده بر جهان بسته بود. این انقلابی جوان پیوسته خود را شاگرد رهبر انقلاب اکبر می نامید و میگفت: «لنین در دوران زندگی پدر، معلم، رفیق و مشاور ما بود و اکنون پس از مرگ ستاره راهنمای ما در مبارزه برای انقلاب اجتماعی است.»

وی برای رهائی خاق ویتنام همواره توصیه های لنین را به انقلابیون کشور های مستعمره در نظر داشت.

در سالهای ۱۹۲۴-۱۹۲۵ «نگوین» آی کووک» به جنوب چین مسافرت کرد، و در آنجا مبارزه مهاجران هند و چین را علیه استعمارگران سازمان داد. وی به تشکیل «انجمن جوانان انقلابی ویتنام» اقدام نمود. پلیس «چان کای شک» او را تعقیب و مدتی زندانی نمود. پس از آزادی از زندان وی نام مستعار «هوشی مین» را برای خود انتخاب کرد.

«هوشی مین» در سالهای بین ۱۹۲۷-۱۹۲۹ بار دیگر به کشور های مختلف اروپا و آسیا سفر نمود.

به ابتکار «هوشی مین» در ۴ فوریه سال ۱۹۳۰ گروهها و مجافل مجزای کمونیستی برای تشکیل حزب کمونیست هند و چین در «هنگ کنگ» گرد آمدند.

تشکیل این حزب را «هوشی مین» اینطور ارزیابی میکند: «این حادثه نقطه عطفی در تاریخ انقلاب ویتنام بود و نشان داد که طبقه کارگر ویتنام بحد کافی نیرومند است و میتواند در رأس مبارزات انقلابی ملت خود قرار گیرد.»

در سال ۱۹۳۱ «هوشی مین» از طرف دولت «هنگ کنگ» بازداشت و زندانی شد، ولی در نتیجه اقدامات «کمک سرخ بین المللی» که برای دفاع از او وکیل مدافع به هنگ کنگ فرستاد از زندان آزاد و به شانگهای پناهنده شد.

«هوشی مین» که به علت مبارزات دلیرانه اش در آنجا هم تحت پیگرد بود، بار دیگر به اتحاد شوروی مسافرت کرد و در «دانشگاه زحمتکشان شرق» به تحصیل پرداخت. وی در سال ۱۹۳۵ در هفتمین کنگره جهانی کمیتنرین شرکت نمود. در فوریه سال ۱۹۴۱ «هوشی مین» پس از سالیان دراز تبعید به ویتنام بازگشت و در

بیستمین سالگرد جمهوری دموکراتیک آلمان

کمیته مرکزی حزب توده ایران بمناسبت واقعه تاریخی بیستمین سال تأسیس جمهوری دموکراتیک آلمان نامه شاد باشی بعنوان کمیته مرکزی حزب سوسیالیست متحده آلمان ارسال داشته و ضمن آن پس از اشاره به تأثیر عظیم تأسیس این جمهوری در سرنوشت مردم آلمان و در سراسر جهان و دیگر گونی های شگرف ناشی از انقلاب دموکراتیک ضد فاشیستی و سپس انقلاب سوسیالیستی و پیروزی مناسبات تولیدی سوسیالیستی که تحت رهبری پیشاهنگ طبقه کارگر-حزب سوسیالیست متحده آلمان صورت گرفته است کامیابی هرچه بیشتر حزب و دولت و مردم جمهوری دموکراتیک آلمان را در ساختمان سوسیالیسم و مبارزه علیه امپریالیسم جهانی و میلیتاریسم و نئونازیسم در آلمان غربی و در راه صلح و پیروزی اندیشه های فنا ناپذیر مارکسیسم-لنینیسم آرزومند گردیده است.

بمناسبت بیست و پنجمین سالروز تأسیس جمهوری توده ای بلغارستان کمیته مرکزی حزب توده ایران نامه شاد باشی بعنوان کمیته مرکزی حزب کمونیست بلغارستان ارسال داشت که در آن پس از اشاره به اهمیت پیروزی تاریخی ۹ سپتامبر ۱۹۴۴ و کامیابی های بزرگی که مردم بلغارستان در رهبری حزب مارکسیستی-لنینیستی طی ربع قرن در ساختمان سوسیالیسم و احداث صنایع نیرومند و ایجاد مناسبات اجتماعی سوسیالیستی بدست آورده اند خاطر نشان میشود که «مردم بلغارستان بیست و پنجمین سالروز ۹ سپتامبر را با سرفرازی بزرگوار میکنند، به دستاورد های امروز بلغارستان و به آینده بیش از پیش سعادت مند آن می بالند».

« ماهنامه مردم »

در جشن سالیانه روزنامه «اومانیته» روزهای ۶ و ۷ سپتامبر سی و چهارمین جشن روزنامه «اومانیته» ارگان مرکزی حزب کمونیست فرانسه در پاریس برگزار شد. در این جشن بنا به سنت چند سال اخیر «ماهنامه مردم» غرفه ای برای آشنا ساختن مردم فرانسه با زندگی و مبارزه خلقهای ایران ترتیب داده بود. تم اصلی غرفه «مردم» معرفی رژیم ترورد در ایران بقیه در صفحه ۵



لنین، الهام بخش خلق زحمتکش ویتنام در حل مسائل متنوع اقتصادی کشور و مقاومت دلیرانه در برابر تجاوزکاران بخصوص در دوران جنگهای هوایی وحشانه امریکا بود. رفیق هوشی مین بعنوان یک میهن پرست، انقلابی و انترناسیونالیست همواره در قلب زحمتکشان سراسر جهان جای داشت. نام او شعار مبارزه مردم کشور های در بند و زندگی او الهام بخش همه کمونیستها، همه مبارزان راه استقلال و آزادی است. بلنوم فوق العاده کمیته مرکزی

حزب زحمتکشان ویتنام ضمن اعلامیه ای از مردم ویتنام دعوت نموده است احساس ماتم و اندوه را به اقدامات انقلابی بدل کنند، همبستگی خود را تشدید نمایند و تمام نیروی فکری و جسمی خود را وقف غلبه بر متجاوزان امریکائی، آزادی جنوب کشور و ساختمان موفقیت آمیز سوسیالیسم در شمال کشور کنند، و به آرزوی بزرگ رفیق هوشی مین که ایجاد یک ویتنام صلح دوست، متحد، مستقل، دموکرات و شکوفان بود تحقق بخشد.